

خوانش زن محور «پنج گنج» نظامی با نظریه جبران مضاعف آلفرد آدلر

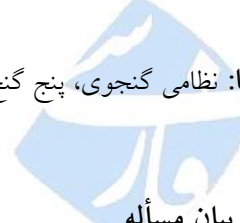
حدیث درست پور

کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد واحد تهران مرکز

چکیده

یکی از مسائل مهم و مورد توجه جامعه ی بین الملل، حفظ و رعایت حقوق زنان و مراعات تساوی حقوق زن و مرد است. با توجه به نقش های مهم و غیرقابل انکاری که زن در عرصه های مختلف داشته است، نمی توان حضور این جنسیت را در آثار اجتماعی، سیاسی، حقوقی، ادبی و... نادیده انگاشت. در این پژوهش، تلاش بر آن است تا بازتاب عقده های مربوط به احساس حقارت و شیوه های جبران آن ها، با توجه به نظریه ی روان شناختی شخصیت آلفرد آدر، در پنج گنج نظامی مورد بررسی قرار گیرد. نظامی در سروده های خود، با توصیف عواطف و احساسات سرخورده ی زنان، به انتقاد از جامعه ی مرد محور می پردازد. نگارندگان، برآند تاروند تبدیل احساس حقارت به عقده و واکنش جبرانی در برابر فشارهای ناشی از بی عدالتی نسبت به زنان را در «پنج گنج» نظامی نشان دهند. نتایج نشان می دهد که نادیده گرفتن زنان در قرن ششم و قبل از آن در فضای مردسالارانه، موجب احساس حقارت و عقده های ناشی از آن شده است. شاعر برای جبران حقارت، سیمای زنان جامعه را برجسته جلوه می دهد.

کلید واژه ها: نظامی گنجوی، پنج گنج، آلفرد آدلر، احساس حقارت، عقده، جبران.



۱. مقدمه و بیان مسأله

ادبیات داستانی، به عنوان بخشی از پیکره ی زبان فارسی، درخور مطالعه و پژوهشی جدی است. برای دستیابی به بخشی از واقعیت و ماهیت آن، لازم است عناصر و علوم مختلفی که با آن در ارتباط هستند، مورد بررسی قرار گیرند. یکی از این علوم، علم «روانشناسی» است که می توان در مطالعه ی شخصیت های داستانی از آن بهره برد. مطالعه پیرامون شخصیت از جمله مسائل مهم علم روانشناسی است که به تاثیرات عوامل اجتماعی اثرات گروه بر شخصیت فرد توجه دارد.

www.anjomanfarsi.ir

«شخصیت در لغت به معنی ذات و خلق و خوی مخصوص شخص است و در معنی عام، عبارت است از مجموعه ی خصوصیتی که حاصل برخورد گرایز و امیال نهفته ی انسان با دانش های اکتسابی او در زمینه های مختلف اجتماعی می باشد. در ادبیات، شخصیت فرد ساخته شده ای است که مانند اشخاص حقیقی از ویژگیهایی برخوردار است و با این ویژگی ها در داستان و نمایش ظاهر می شود و اعمال و گفتاری که از اشخاص داستان سر می زند باید به گونه ای با خصایل و ویژگی های خاص آنان هماهنگی و ارتباط داشته باشد. اگر شخصی دست به دزدی می زند، این عمل او باید انگیزه ای داشته باشد که متناسب با روحیات و خصوصیات آن شخص باشد.» (داد، ۱۳۸۳: ۳۰۱)

«شخصیت در یک اثر نمایشی یا روایی فردی است دارای ویژگی های اخلاقی و ذاتی که این ویژگی ها از طریق آن چه که انجام می دهد، رفتار و آن چه که می گوید گفتار، نمود می یابد. زمینه ی چنین رفتار یا گفتاری انگیزه های شخصیت را بازتاب می دهد. به این تعریف باید مجموعه اطلاعاتی را که نویسنده از طریق توصیف و شرح حال افراد داستانش در اختیار مخاطب قرار می دهد نیز افزود. در واقع، «شخصیت های داستانی با مجموعه ای از رفتار، گفتار و افکاری که توسط نویسنده بیان می شود به وجود می آیند» (مستور، ۱۳۸۴: ۳۳)

روانشناسی شخصیت، ویژگی ها، صفات و عوامل موثر بر فرآیندهای انسانی نظیر: تفکر، گفتار و رفتار به هنجار یا نابهنجار انسان را در جامعه تعیین می کند. در واقع، «روانشناسی شخصیت، ویژگی های مشخص و ملموس و

واکنش‌های فرد را که در موقعیت‌های مختلف، از او سر می‌زند، مورد پردازش قرار می‌دهد و به دنبال تحلیل علل این رفتارها در موقعیت‌های گوناگون است» (رایکمن، ۱۳۸۷: ۵).

آلفرد آدلر روانشناسی اتریشی بود که درباره‌ی احساس حقارت دیدگاه جالبی بیان کرد که این حس دلیل رشد بشر می‌شود و به او برای دستیابی به تکامل کمک می‌کند. به عقیده‌ی او، احساس حقارت، گریزناپذیر است؛ زیرا به وجود آورنده‌ی انگیزه‌ی اساسی برای تلاش، رشد، پیشرفت و موفقیت است. در واقع احساس حقارت اگرچه از حد فزونی نباید، سبب پیشرفت و ترقی آدمی است. روش روان‌شناسی فردی با مساله‌ی حقارت شروع و پایان می‌یابد. احساس خود کم بینی یا حقارت در افراد ناشی از نقص و ضعف است که به تدریج با جای‌گیری در وجود انسان، موجب می‌شود تا او برای رسیدن به اهداف خویش راه‌های گوناگونی را برگزیند.

حکیم نظامی گنجوی، با سروده‌های فراوان خود، گنجینه‌ی ارزشمندی از داستان پرداززی منظوم را به خود اختصاص داده است. «امتیاز بزرگ نظامی در داستان سرایی اوست.

آن چه در این پژوهش، مورد بررسی قرار می‌گیرد، «پنج گنج» نظامی گنجوی است که به روش توصیفی - تحلیلی به جنبه‌های روان‌شناختی شخصیت «آلفرد آدلر» (مطالعه در عقده و احساس حقارت و جبران و واکنش در برابر آن) به آن نگریسته می‌شود.

اهمیت این پژوهش در آن است که با توجه به اهمیت موضوع نگاه جامعه به زن و تغییر دیدگاه‌های سنتی و مدرن نسبت به زن در طول تاریخ، و آسیب پذیر شدن این قشر در جامعه از گذشته تاکنون، امید است این پژوهش منبع مفیدی برای دانش پژوهان واقع شود.

این تحقیق که به روش توصیفی - تحلیلی نگاشته شده است، به بررسی آرای آلفرد آدلر در زمینه‌ی بازتاب عقده حقارت و برتری جویی در شخصیت‌های زن کتاب «پنج گنج» نظامی گنجوی می‌پردازد.

۲. مبانی پژوهش:

۱-۲ نگرش به زن در آثار مختلف ادبی:

در ایران، گواه اعتقاد به برتری زنان بر مردان را می‌توان در برخی از متون مذهبی پیش از اسلام (گات‌ها یا گاهان)، یا اشعار شاهنامه‌ی فردوسی و منظومه‌ی ویس و رامین فخرالدین اسعد گرگانی مشاهده کرد. با وجودی که در برخی از متون به زن نگاه مثبت دارند، اما آثار زیادی نیز وجود دارند که به زن ارزش و بهایی نداده‌اند. در گات‌ها زن، آزاد است که در پرتو خرد و شناخت خود، آن چه را که بهتر می‌داند، برگزیند. «زرتشت جوان‌ترین دختر خود «پروچستا» را در انتخاب همسر آزاد می‌گذارد» (ستاری، ۱۳۷۵: ۱۸).

«به طور کلی، در ادبیات فارسی، سه نگرش نسبت به زن وجود دارد که الزاما در تناقض با یکدیگر نیستند» (جودی نعمتی، ۱۳۸۳: ۱۱۹) و درجاتی از هر یک را می‌توان در آثار اغلب شاعران مشاهده کرد:

۱) نگرش زیباخواهانه: بسیاری از شاعران و هنرمندان در طول تاریخ می‌کوشیدند تا حس زیبایی خواهی مخاطبان را ارضا کنند؛ لذا در آثار خود به آفرینش ظرافت‌ها و زیبایی‌های زنانه می‌پرداختند. «شاعران برای تحقق هدف مذکور، تما زیبایی‌ها را در شخصیت‌های داستانی خود جمع می‌کردند و در توصیفات خود، نهایت اغراق را به کار می‌بردند، مانند توصیف پیرامون شیرین و دختران دربار مهین بانو» (جودی نعمتی، ۱۳۸۳: ۱۱۹)

۲) نگرش منفی: بسیاری از خصایص منفی و نفسانی در وجود زنان، زمینه ساز نوعی نگرش منفی نسبت به این جنسیت شده است. مثلا زنان کلیله و دمنه نیز، همسرانی خیانتکار و زنانی هوس ران هستند که هیچ کدام نام و هویتی مستقل از خود ندارند. «بسیاری از حکایات موجود در کلیله و دمنه، زنان خائن و شهوت ران، و در پی نارو زدن به همسران خود هستند» (بی‌زار گیتی، ۱۳۸۸: ۱۳۰). جامی در سلامان و ابدال، صفات منفی شهوت پرستی، بی‌ارزشی،

توقعات بالا، بی وفایی، خاموشی و محکومیت به سکوت و فنا و فقدان شعور و خرد را به زنان، نسبت داده است. او زن را محکوم به فنا و نابودی معرفی می‌کند:

«شه نهانی واقف آن حال بود
همتش بر کشتن اقبال بود
بر مراد خویشان همت گماشت
سوخت او را و سلامان را گذاشت»
(جامی، ۱۳۸۵: ۳۲۰)

۳- نگرش آرمانی: بسیاری از سروده‌های شاعران دربردارنده‌ی مفاهیمی است که در آن، زن موجودی قهرمان و مورد توجه و ستایش قرار می‌گیرد. «در این داستان‌ها، زن به عنوان معشوق، مادر، مربی، سیاست‌مدار و حکیم است و برخی صفات مردانه را هم داراست» (جودی نعمتی، ۱۳۸۳: ۱۲۳). مانند شیرین در سروده‌های نظامی، که نماد زنی خویشن‌دار و با عفاف است.

۳-۲ آدلر و الگوی روانشناسی نظریه شخصیت:

«آلفرد آدلر» (Alfred Adler) (۱۸۷۰-۱۹۳۷) که خود را شخصی زشت و کوچک اندام تلقی می‌کرد، برای جبران این حقارت، در کودکی با جدیت تمام کار می‌کرد تا نزد همسالانش محبوبیت به دست آورد و به تدریج که بزرگتر شد، به احساس عزت نفس و پذیرش از سوی دیگران دست یافت. به همین خاطر، «نظریه خود را مبنی بر اینکه شخص باید نقاط ضعفش را جبران کند بنیان نهاد. توصیف احساس‌های حقارت، که بعدها بخش اصلی نظام او را تشکیل داد، بازتاب مستقیم تجارب اولیه خود اوست» (فیست و دیگران، ۱۳۸۸: ۸۲).

او به عنوان یکی از اولین مریدان فروید، در دهه سال‌های ۱۹۲۰ مکتب روانشناسی فردنگر را بنیاد نهاد. در سال‌های دهه ۱۹۲۰ نظام روانشناسی اجتماعی وی که خود آن را روانشناسی فردی می‌نامید، پیروان زیادی پیدا کرد. به اعتقاد وی، همه افراد در تجربه‌های نخستین‌شان در جریان مقایسه خود با جهان اطراف، دچار احساس ضعف و ناتوانی می‌شوند. عوامل اجتماعی پیرامون یک فرد، رفتارهای انسانی او را رقم می‌زند. او عامل اصلی در میل انسان‌ها به پیشرفت، تحرک و ترقی را عامل «احساس حقارت و میل به برتری جویی در پی آن» می‌داند. «فرد برای غلبه بر این حس ناخوشایند و جبران حقارت‌های خویش (خواه واقعی باشند یا خیالی) تلاش می‌کند به برتری دست یابد. این حس ناتوانی و حقارت است که کودک را هر روز درصدد مستقل شدن انگیزش می‌کند تا انسانی بالغ و خود اتکا شود. آدلر اعتقاد داشت که احساس حقارت هر چه فرد توانگرتر می‌شود ادامه دارد» (آدلر، ۱۳۶۱: ۶۰). در نگاهی کلی، «هر فردی در راه مبارزه با حس حقارت خود، دو حالت را تجربه می‌کند:

(۱) عقده‌ی حقارت (inferiority complex)

(۲) جبران: تلاش برای رسیدن به برتری (compensation) (عرب و حق پناه، ۱۳۹۰: ۱۱۹).

اصل حقارت (تبدل احساس حقارت به عقده‌ی حقارت):

آدلر احساس حقارت را عامل انگیزشی می‌دانست و در نقطه‌ای دیگر به تحریکات اهداف برای جلو بودن بشر اعتقاد داشت. به این صورت که او برطرف کردن حقارت و رسیدن به هدف را لازمه‌ی موفقیت و توانگری فرد معرفی می‌کرد. بنیادی‌ترین اصل نظریه‌ی روان‌شناسی فردی، همان «اصل حقارت» است» (آدلر، ۱۳۶۱: ۳۶). «آدلر واضح این اصطلاح نبود، اما با تشریح و تبیین دقیق آن، اساس نظریات خویش را بر آن بنا نهاد» (آقایوسفی، ۱۳۸۶: ۳۸۱).

طبق نظر آدلر، «احساس حقارت، امری صرفاً اجتماعی و منبع اصلی همه‌ی تلاش‌های انسان است. طبیعت با جبران بی‌مهری‌اش در مورد انسان، نیرویی از احساس حقارت به او عنایت کرده تا بدین وسیله پیوسته‌رو به جوانب مثبت زندگی داشته و برای تامین خویش و غلبه بر مصائب زندگی بکوشد» (آدلر، ۱۳۶۱: ۵۶).

احساس حقارت ناشی از ناتوانی‌ها سبب می‌شود که فرد تلاش کند و به پیروزی برسد و این احساس حقارت را در هم شکند. در واقع «حقارت انگیزشی است که فرد را رو به جلو و تلاش کردن هدایت می‌کند» (همان: ۶۰).

از جمله دلایلی مانند حقارت عضوی، نازپروردگی یا لوسی و بی توجهی یا نادیده گرفتن افراد» (شولتز و شولتز، ۱۳۷۵: ۱۳۶).

اصل جبران (برتری جویی):

«جبران به معنای سرپوش نهادن بر یک نارسایی است تا تعادل برقرار شود» (منصور، ۱۳۴۳: ۳۱). «طبق نظر آدلر، «برتری جوئی» از موثرترین انگیزه‌های زندگی است و انسان را از هنگام زادن تا واپسین دم زندگی، از مرحله‌ای به مرحله‌ای دیگر پیش می‌برد و جنبه‌های اجتماعی شخصیت او را تقویت می‌کند» (کریمی، ۱۳۸۹: ۹۳ و ۹۴).

اصل برتری جوئی، مادر بسیاری از انگیزه‌های انسان است (سیاسی، ۱۳۷۹: ۸۶). به اعتقاد آدلر، «همه‌ی انسان‌ها می‌توانند به طور بالقوه احساس حقارت را در وجودشان داشته باشند» (آدلر، ۱۳۶۱: ۶۶). «که مستقلاً می‌تواند در هر شرایطی بروز کند و عوامل متعددی در بروز آن دخیل باشند» (smother, 2010: 14)

«انسان برای از بین بردن احساس حقارت دائم در تلاش است و سعی دارد به مرتبه‌ای بالاتر و بهتر از آنچه که هست، دست یابد؛ بنابراین عامل اساسی برتری جوئی در هر انسانی، برانگیخته شدن احساس حقارت در وی است» (کارور، ۱۳۸۷: ۴۶۰). در واقع، این دو اصل از هم تفکیک ناپذیراند. گاهی فرد در راه مبارزه با این حس حقارت، به کمک توانایی‌های خود استعدادهای نوینی را در خود گسترش می‌دهد که به این راه، «جبران» می‌گویند.

۳. نظامی گنجوی:

نظامی گنجه‌ای شاعر فارسی‌گوی آذربایجان در قرن ششم هجری می‌زیسته است. نام او را «الیاس بن یوسف بن زکی بن موید» ضبط کرده‌اند. «تقی‌الدین اوحدی در «خلاصه‌الاشعار و زیده‌الافکار» نام و نسبش را احمد بن یوسف بن موید و کنیه اش را «ابو محمد» و لقبش را نظام‌الدین آورده است.» (ثروت، ۱۳۷۰: ۳۲) «نظامی در حدود سال ۵۳۵ به دنیا آمد و در سن ۸۳ سالگی و در سال ۶۰۸ چشم از جهان فرو بست» (ثروتیان، ۱۳۸۲: ۱۴).

بی‌گمان حکیم نظامی گنجوی را با نزدیک به چهل هزار بیت شعر و حدود بیش از بیست هزار بیت شعر داستانی مهم ارزشمندی از داستان پردازی منظوم را به خود اختصاص داده است. باید گفت «نظامی شاعر داستان پردازی است که در میان اشعارش نکات عرفانی، حکمی، اخلاقی، فلسفی، سیاسی، اجتماعی و به ویژه فولکور دیده می‌شود.» (ثروت، ۱۳۷۲: ۳۳۰-۳۲۹) امتیاز بزرگ نظامی در داستان سرایی اوست. گرچه پیش از وی این امر سابقه داشته است، ولی «نظامی داستان‌گنایی را به چنان قله‌ی رفیعی رساند که پس از او هیچ‌کس نتوانست بر آن صعود کند» (ثروت، ۱۳۷۰: ۴۸)

۴. بحث و تفسیر:

سروده‌های نظامی با محتوای زنانه را می‌توان طبق نظریات آدلر بدین گونه تحلیل و طبقه‌بندی کرد:

۱-۴ بازتاب احساس و عقده‌ی حقارت در پنج گنج:

طبق نظریات آدلر، اگر شخص در برابر احساس حقارت خود اظهار ناتوانی کند و نتواند در برابر آن، عمل مثبتی به عنوان جبران انجام دهد، منجر به افزایش عقده‌ی حقارت در وی می‌شود. این عقده‌ی حقارت، برخلاف احساس حقارت - که امری طبیعی در وجود انسان است - کاملاً غیرطبیعی و مضر است، لذا «فرد را به ابراز رفتارهای ناپسندی وامی‌دارد که خشونت و تنفر، از جمله‌ی این رفتارها می‌باشند» (آدلر، ۱۳۶۱: ۱۳۳ و ۱۳۴).

در پنج گنج نظامی، ترسیم احساس حقارت زنان و تبدیل آن به عقده‌ی حقارت کاملاً روشن و واضح است. نظامی در وود لیلی، به نمایندگی از زنان جامعه‌ی عصر خود، عقده‌ی حقارتشان را نسبت به وضعیت تأسف‌بار زنان سرخورده در جامعه‌ی مردسالار، در قالب مضامینی پیرامون تنفر، اعتراض و خشم و بدبینی نسبت به این اوضاع در جامعه ابراز می‌کند. نظامی با روایت سرنوشت لیلی، تصویری از زن قربانی شده در فرهنگ سنتی و زندانی در جامعه

ی مردسالار به دست می دهد تا به نوعی بتواند به محدودیت ها و سختی هایی که زن در جامعه ی ایرانی پشت سر گذاشته اشاره کرده است، و نسبت به بی انصافی ها و ناعدالتی هایی که نسبت به زنان در جامعه می شد، بانگ اعتراض سر دهد.

«آنچه در اجتماع رخ می دهد، بزرگترین عامل در ایجاد حس حقارت است که عملکرد غیرمستقیم یا مستقیم آن می تواند دربردارنده ی یکی از ارمان های شخصیتی باشد» (قبادی و هوشنگی، ۱۳۸۸: ۹۸) و جایگاه نازل زن بودن در جامعه به تصویر کشیده شده در سروده های شاعر، احساس حقارت را برای شخصیت زن به ارمان آورده است. نظامی با مشاهده ی تضعیف مقام زنان و ظلم و بی عدالتی هایی که نسبت به آنها می شد، احساس حقارت در وجود او ریشه دواند و تبدیل به عقده ی حقارت شد، تا جایی که این عقده را در قالب انتقاد و اعتراض نسبت به جامعه و نفرت و بیزاری از این وضع بیان داشت.

لیلی نماینده ی زنانی است که دچار عقده ی حقارت در جامعه ی مردسالاری حاکم شده بودند. داستان زندگی این قشر وسیع از جامعه که در پریشانی و انزوای خانه اسیر بودند، داستان زندگی زنانی است که در یک جامعه سستی اسیر هستند. گویی زنان زندانی مردان بودند و زندگی و مرگ برایشان یکسان بود، زیرا اشخاصی بی هویت بودند: نمونه ای از ترسیم در بند و حصار بودن لیلی:

یعنی ز من حصار بسته
نزدیک تو، ای قفس شکسته
نه دل که به شوی بر ستیزم
(نظامی، لیلی و مجنون، ۱۳۷۶: ۱۶۵)

نه زهره که از پدر گریزم
(همان: ۱۶۱)

نظامی از اینکه زنان در جامعه دچار بی عدالتی می شوند، احساس حقارت می کرد و آن را بر زبان می آورد. گویی روش و رویه ی حاکم بر جامعه، نادیده گرفتن حقوق زنان بود و کسی از میان آنها علیه این بی عدالتی قیام نمی کرد. شاعر، عقده ی حقارت خود را ناشی از حضور عرف و فرهنگ نامناسب جامعه می داند که زنان در آن چاره ای جز سوختن و ساختن ندارند. او از تعصبات کور حاکم بر فضای چنین جوامعی که معمولاً حفظ نام و ننگ را امری بسیار مهم جلوه می دهند به طوری که سایر امور را تحت الشعاع قرار می دهد، گلایه دارد. از طرفی لیلی هم که دست پرورده ی همین محیط است تمام هم و غم خود را صرف حفظ این نیک نامی می کند و آن چنان در حفظ آن مبالغه می ورزد که هنگام مرگ راز عاشقی خود را با مادرش در میان می گذارد:

از حشمت شوی و شرم خویشان
می بود چو زلف خود پریشان
(همان: ۱۶۰)

۲-۴ واکنش برتری جویی و جبران در پنج گنج:

احساس حقارت در سروده هایی با مبحث زنانه در پنج گنج نظامی که ناشی از مشاهده ی وضعیت نامساعد زنان در جامعه ای مردسالار و سرکوبگر است، باعث شد وی در جهت از بین بردن آن حس و عقده برای زنان، تلاش زیادی را از خود نشان دهد. این تقلا و تلاش، همان تمایل مثبت آدلری است که برای غلبه کردن بر نقص ها و کمبودهای ناشی از مشاهده ی وضعیت اسفبار زنان عصر خود در وی ایجاد شده است و در قالب های زیر به تصویر کشیده شده است تا برای این جنسیت در عصر خویش، وارد مرحله ی جبران شود:

گر مادر من ریشه ی کرد
مادرصفتانه پیش من مرد
(نظامی، لیلی و مجنون، ۱۳۷۶: ۴۹)

در بیت فوق، نظامی از مقام مادر خود والاصفتانه می گوید و او را می ستاید. علاوه براین، در بیت زیر نیز، شاعر عمه شیرین را در مقام مادری دلسوز و ناصح نسبت به او نشان می دهد که نشان از خردورزی و شایستگی زنان در مشورت است:

مهین بانو دلش دادی شب و روز بدان تا نشکند ماه شب افروز
کلید گنج ها دادش که برگیر که پیشت مرد خواهد مادر پیر
(نظامی، خسرو و شیرین، ۱۳۷۶: ۱۷۶)

علاوه بر این‌ها، لیلی و شیرین که نمادی از مقام قابل ستایش زنان در پنج گنج محسوب می‌شوند. این دو زن به عنوان معشوقه دارای صفات برجسته‌ای هستند که باعث تکامل مردان می‌شوند. لیلی، مجنون را به مقام والای عشق (عرفانی و خدایی) می‌رساند و شیرین، خسرو را هم از نظر اخلاقی و هم از لحاظ حکومت داری متحول می‌کند. «نظامی یک سیر صعودی و متعالی برای زنان متصور می‌شود که در کل داستان‌های وی تکرار شدنی است» (بری، ۱۳۸۵: ۱۶۲). زن قهرمان در اسکندرنامه نیز چنین مقامی دارد. «نوشابه» با دلایل منطقی اسکندر را قانع می‌سازد که نباید بر سر این سنگ‌ها الوان و غیر مأكول که میراث صدها اسکندر است جهانی را به خاک و خون کشید و کشورها را به ویرانه‌ی مبدل ساخت. سخنان او در اسکندر چنان اثر می‌کند که لب به تحسین این بانوی خردمند می‌گشاید:

هزار آفرین برزن خوب رأی که مارا به مردی شود رهنمای
ز پند توای بانوی پیش بین زدم سکه‌ی زر چو زر بر زمین
(نظامی، اسکندرنامه، ۱۳۷۶: ۱۷۶)

شاعر هنگامی که اسکندر را که خود به جای ایلچی به دربار بردع آمده با نوشابه روبرو می‌سازد. نوشابه از فرط کیاست، هوش، فراست و دانایی او را می‌شناسد. آن‌ها دو بدو به مکالمه و بحث می‌پردازند. نوشابه نظامی خود را به اسکندر چنین معرفی می‌نماید:

اگر چه زنم، زن سیر نیستم ز حال جهان بی خبر نیستم
منم شیر زن، گر تویی شیر مرد چه ماده چه نر شیر وقت نبرد
(نظامی، اسکندرنامه، ۱۳۷۶: ۱۷۶)

نظامی قهرمانان خود را در این داستان‌ها زن معرفی می‌کند. شیرین، لیلی و نوشابه، مکمل هویت مردان متصور شده‌اند تا مقام زن در عصری که سرکوبگری را شایسته‌ی شان می‌دانند متعالی شود. «انتخاب قهرمان داستان‌های نظامی از میان زنان، نشان از آن دارد که وی زنان را شایسته‌ی مملکت داری و تکیه دادن بر بالاترین جایگاه‌ها می‌داند» (طغیانی، ۱۳۹۰: ۷۷). شاعر برای نشان دادن مقام والای زن به عنوان یک واکنش جبرانی در برابر عقده‌های حقارت موجود در عصرش برای زنان، به داستان‌هایی روی می‌آورد که در پایان نتیجه‌گیری، زن را عامل و محرک زندگی و مایه‌ی تعالی مرد نشان دهد و مشت محکم و کوبنده‌ای بر دهان فضای تاریک مردسالاری و زن‌ستیزی بزند. «هویتی که نظامی برای زن به عنوان یک انسان در نظر گرفته، هویتی در خور توجه است، زیرا وی برخلاف دیدگاه مردم عصرش که زن را فقط به دلیل زن بودنش محکوم می‌دانستند، هویتی والا برای زنان در نظر گرفته است. درواقع، نگاه نظامی به زن، در یک جامعه‌ی مردسالار، مخالف با باورهای زمان است» (بیگدلی، ۱۳۶۹: ۱۱۲).

نظامی با اصرار بر جنبه‌ی انسانی و متعالی عشق در مرکز جهان بینی خود، در بازنمایی شخصیت‌های زن، مفهومی روشن و منسجم و البته مطلوبی از زنان به دست می‌دهد. او این شخصیت‌ها را در نقش‌های گوناگونی چون عشاق، مادر دلسوز، حاکمان و آموزگاران و ناصحان در کنار مردان به تصویر می‌کشد. با توجه به خصلت جامعه‌ی ایرانی در قرن ششم، ارائه‌ی چنین تصویری نشانگر آن است که نظامی سعی داشته زنان را از این وضعیت نجات دهد و ارزش از دست رفته‌شان را به آنان بازگرداند. «نظامی در گنج - در جمهوری آذربایجان کنونی - متولد شد و چنانکه از درونمایه‌ی اشعارش بر می‌آید، در چند رشته‌ی علمی و آموزشی تحصیل کرد» (تلف، ۲۰۱۲: ۲۴۱). او در شخصیت پردازی لیلی، شیرین و زنان هفت پیکر، با آگاهی از موقعیت زنان پیش از اسلام و زمینه‌ی فرهنگی زمانه‌اش نشان می‌دهد که با جنبه‌های روان‌شناختی تجربیات زنانه آشناست. (همان).

شیرین به عنوان یک زن، پاکدامن، قوی و بی‌پرواست؛ چوگان بازی می‌کند و به گردش می‌رود. این تصویرسازی از دختری ارمنی توسط نظامی است تا نشان دهد زنان داستان‌ش برابر و همپایه با مردانند. در آثار تاریخی و روایات

زمان نظامی و قبل از آن، کمتر دختران و زنانی دیده می‌شوند که خود برای زندگیشان تصمیم‌گیری کنند، اما نظامی این زنان را در آن عصر به تصویر می‌کشد. زنی چون شیرین و شاهزاده خانم اسلاو در هفت پیکر که خود تصمیم به سفر و عزیمت از دیاری به دیار دیگر می‌گیرند، نمونه‌هایی از این نوع تصویرگری از زنان می‌باشند. پوزش شاهزاده خانم اسلاو از پدر، برای عزیمت خود:

پوزش انگیخت وز پدر درخواست تا کند برگ راه رفتن راست
(نظامی، هفت پیکر، ۱۳۷۶: ۲۰۹)

یا نمونه‌ای از ترسیم گردش دختران در باغ (رفتن لیلی به تماشای بوستان):
لیلی به همراه چند تن از دختران قبیله‌ی خود به قصد تفریح و گردش از خانه بیرون آمده بود، اما پیدا بود که هدفش این نبود که گلها و سبزه‌ها را تماشا کند:

بودش غرض آنکه در پناهی چون سوختگان برآرد آهی
با بلبل مست راز گوید غمهای گذشته باز گوید
(نظامی، لیلی و مجنون، ۱۳۷۶: ۲۰۹)

نتیجه‌گیری:

نظامی در پنج گنج خود، با نگاه عدالت‌جویانه‌ی خویش، در اشعار خود، نسبت به حقارتی که در اثر ظلم و جور و ستم جامعه نصیب زنان شده است، واکنش‌های درخور توجهی از خود بروز می‌دهد. با توجه به اینکه او شاعری انسانگراست و اندیشه‌های انسانی را با شیوه‌ای بدیع و آمیخته به احساس و عاطفه در قالب نظم درآورده است، بازتاب عقده‌های حقارت ناشی از تبعیض‌های اجتماعی از منظر الگوی روانشناسی آدلر، در سروده‌های وی می‌تواند در خور شرح و بسط باشد.

با نگاهی به سروده‌های نظامی درباره‌ی دفاع از حقوق زنان و با توجه به رویکرد آدلر، وجود ناتوانی و ضعف در زنان، عقده‌های حقارت ایجاد می‌کند؛ بنابراین، کوشش‌های بعدی آنان نیز در زندگی، مصروف جبران یا پوشاندن آن می‌شود. پس حقارت اساس تلاش آنهاست. عقده‌های حقارت منجر به تمایل فرد برای فرار می‌شود و این تمایل در عقده برتری‌جویی برای جبران بیان می‌گردد.

دانش روانکاوی نوین هر شخصیت را با رفتار و گفتار خاص او در دسته‌ای از گونه‌های شخصیتی قرار می‌دهد. در این پژوهش که به بررسی نقش و شخصیت زنان در جامعه بر اساس نظریه‌ی روانشناسی فردی آلفرد آدلر پرداخته شده است، شخصیت زنان محروم و سرکوب شده در جامعه در زمره‌ی شخصیت‌های مبتلا به عقده‌ی حقارت ارزیابی گردیده است.

نظامی به طور گذرا از شخصیت‌های داستانی‌اش نمی‌گذرد او در عمق وجود آنها جستجو می‌کند. نظامی در اشعارش آینه‌ای را در برابر مخاطبان قرار می‌دهد و کژی‌ها و کاستی‌های جامعه را نسبت به تعهدات و مناسبات اخلاقی و منطقی جامعه نشان می‌دهد. یکی از این مناسبات، مساله‌ی زنان و حقوق و هویت ضایع شده‌ی آن‌ها در جامعه است. همانطور که در منظومه‌ی لیلی و مجنون به بهترین وجه توانسته است دختر دلسوخته و در بند و حصار نظام قبیله‌ای پدر سالار عرب را در لیلی ترسیم کند.

بر اساس اصل حقارت، جایگاه شخصیت زنان در اجتماعی که نظامی در آن زندگی می‌کند و نارضایتی او از قرار گرفتن آن‌ها در این جایگاه، احساس طبیعی حقارت را در وی به عقده‌ی حقارت مبدل ساخته است. بر اساس اصل برتری‌جویی و جبران، هدف شاعر، رسیدن زنان به جایگاه والا و یافتن هویت از دست رفته‌شان است. به تدریج عقده‌ی حقارت موجب می‌شود برای رسیدن به اهداف خویش راه‌هایی را برگزیند که یکی از آن‌ها انتقادات و اعتراضات غیر مستقیم به جامعه‌ی حاضر و پند و اندرز به زنان برای بالابردن جایگاه خود در جامعه است.

منابع

۱. آدلر، آلفرد. (۱۳۶۱). روانشناسی فردی. ترجمه: حسن زمانی شرفشاهی. تهران: پیشگام.
۲. آفایوسفی، علیرضا. (۱۳۸۶). «شخصیت». روانشناسی عمومی. هیئت مولفان. تهران: دانشگاه پیام نور، صص ۳۶۵-۴۰۲.
۳. بی زار گیتی، آزاده. (۱۳۸۱). «زنان کلیده و دمنه: بازنمود ذهنی مردانه»، فصلنامه ی زنان، مجموعه مقالات، ج ۲، صص ۱۲۷-۱۳۳.
۴. تطف، کامران. (۲۰۱۲). زنان قهرمان در آثار نظامی (مطالعه ی جنسیت و شخصیت پردازی در زنان در ادب کلاسیک فارسی). ترجمه مهرک کمالی و کامران تطف. نشریه ایران نامه. صص ۲۳۸-۲۶۰.
۵. ثروت، منصور. (۱۳۷۲). مجموعه ی مقالات کنگره بین المللی نهمین سده ی تولد حکیم نظامی گنجوی، جلد دوم، تهران: انتشارات دانشگاه تبریز.
۶. ----- (۱۳۷۰). گنجینه ی حکمت در آثار نظامی. تهران: امیر کبیر.
۷. ثروتیان، بهروز. (۱۳۸۲). نظامی گنجه ای. تهران: انتشارات پژوهش‌های فرهنگی.
۸. چاوش اکبری، رحیم. (۱۳۷۸). زندگی و شعر پروین اعتصامی. تهران: ثالث.
۹. داد، سیما. (۱۳۸۳). فرهنگ اصلاحات ادبی. تهران: نشر مروارید.
۱۰. رایگمن، ریچارد. ام. (۱۳۸۷). نظریه های شخصیت. مترجم: مهرداد فیروزبخت. تهران: ارسباران.
۱۱. ذوالفقاری، ابوالفضل و مسلم میرزایی. (۱۳۹۰). نابرابری های جنسیتی و طبقاتی در اندیشه های پروین اعتصامی. مجله زن و فرهنگ و هنر. ش ۳. صص ۱۹-۳۵.
۱۲. ستاری، جلال. (۱۳۷۵). سیمای زن در فرهنگ ایران. تهران: نشر مرکز. چاپ دوم.
۱۳. سیاسی، علی اکبر. (۱۳۷۹). «نظریه های شخصیت یا مکاتب روانشناسی، چ هشم، تهران: دانشگاه تهران.
۱۴. شولتز، دوان، شولتز. سیدنی آلن. (۱۳۷۵). نظریه شخصیت. مترجم: یحیی سید محمدی. تهران: سازمان چاپ دانشگاه آزاد اسلامی.
۱۵. عرب، عباس و یونس حق پناه. (پاییز و زمستان ۱۳۹۰). «تحلیل روان شناختی اشعار صعلیک بر اساس مکتب آدلر». نشریه ی زبان و ادبیات عربی. ش ۵. صص ۱۱۵-۱۴۴.
۱۶. فیست، جس و دیگران. (۱۳۸۸). نظریه های شخصیت. ترجمه یحیی سیدمحمدی. تهران: نشر روان. ۱۳۹۹
۱۷. قبادی، حسینعلی، هوشنگی، مجید. (۱۳۸۸). «نقد و بررسی روان کاوانه شخصیت زال از نگاه آلفرد آدلر». فصلنامه نقد ادبی، س ۲، ش ۷، صص ۹۱-۱۱۹. www.anjomanfarsi.ir
۱۸. کارور، چارلز، شی یر، مایکل اف. (۱۳۸۷). نظریه های شخصیت. ترجمه: احمد رضوانی. مشهد: آستان قدس رضوی.
۱۹. مستور، مصطفی. (۱۳۸۴). مبانی داستان کوتاه. تهران: نشر مرکز.
۲۰. منصور، محمود. (۱۳۴۳). احساس کهنری، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

(ب) منابع لاتین:

1. Smothers, Melissa.K.(2010). Adler, Alfered. Encyclopedia of Psychology and Religion. New York:Springer.